



فرمان یورش به کردستان به دستور شخص خمینی (4)
(جنگ سه ماهه در کردستان 27 مردادماه - 26 ابان ماه 1358)

بخش چهارم (4)

ترس و وحشت نیروهای دولتی از جنگ چریکی در کردستان و...

بعد از فرمان یورش و بسیج سراسری نیروهای نظامی به کردستان که روز 27.5.1358 از سوی خمینی صادر شد برای اولین بار فرماندهان عملیات نظامی شهرهای سقزو بانه که خود مقاومت جسورانه و قهرمانانه مردم رادیده بودند، رسماً اعلام داشتند که **نیروهای مسلح کرد، یک جنگ چریکی در امدت در مناطق کردنشین شروع خواهند کرد** و این گزارش را به ستاد مشترک ارتش در تهران اطلاع دادند. این خبر در قم به خمینی هم رسیده بود. اما دستگاه جنگ افروز حاکم به این هشدارها اهمیتی نداد و همچنان سیاست کشتار و سرکوب در کردستان را ادامه دادند. هیئت حاکمه ایران فرمان بسیج عمومی را به عنوان یک پیروزی بزرگ برای نجات خلق کرد، تبلیغ می‌کرد. همچنانکه در جواب نامه خمینی به روحانیون مهاباد اشاره شد، به خمینی گزارش داده بودند که در شهرها و روستاهای کردستان از ارتش و پاسداران که **غیر از جنگ و کشتار خونین ارمانی دیگر** همراه نداشتند، استقبال گرم شده است و این تنها یک دروغ و حيله فتنه انگیز بود.

بدنبال این گزارش بعضی از نیروهای درون حکومتی و سازمانهای ملی و شخصیتها ی معروف در شهرهای مرکزی اعلام داشتند که مسئله کردستان باید به شیوه مسالمت امیز حل شود. اما سران هیئت حاکمه جنگ افروز باز هم سیاست سرکوب و قتل عام را ادامه می‌دادند. این مواضع به خوبی نشان می‌داد که در میان هیئت حاکمه ایران اختلافات و چند دستگی عمیقی وجود داشت.



در این شرایط ، دکتر محمد مکرری که سفیر ایران در شوروی بود ، در يك مسافرت فوری به تهران بازگشت و در فرودگاه مهر اباد از سوی داریوش فروهر مورد استقبال قرار گرفت . مکرری اعلام کرد که حاضر نیست تازمانی که به حضور امام نرسد با خبرنگاران گفتگو کند ، **زیرا اسناد و مدارک مهمی در ارتباط با کردستان همراه دارد و باید در اختیار امام بگذارد** . او فوری به قم رفت و با خمینی در این مورد گفتگو و ملاقات کرد .

مرگ طالقانی و عزای عمومی در سراسر کشور

ایت اله طالقانی در ساعت 1 و 45 بامداد 19 شهریور ماه 58 در محل اقامت خود درگذشت . **مرگ او موجب تبلیغات وسیع سران حکومت در سراسر کشور گردید** و بزرگترین مراسم تشییع جنازه در شهر تهران برای او برگزار شد . مرگش مشكوك اعلام شد و پزشکان گفته بودند که مسموم شده است . او صرف نظر از سخنرانیهایش در نماز جمعه علیه ملت کرد بعد از فرمان یورش خمینی به کردستان ، مورد احترام نیروهای مختلف مردمی بود . «دکتر مکرری سفیر ایران در روسیه و طالقانی ، شب قبل از مرگش به مدت 2 ساعت و نیم در مورد اوضاع کردستان گفتگو و مذاکره کردند . اعضای دفتر او گفته بودند که طالقانی در این باره مطالبی را یاد داشت کرده است .» روزنامه کیهان چاپ ویژه 19 . 6 . 1358 ص . 1 و 2





در ارتباط با مرگ طالقانی ، احمدمفتی زاده ازسندج به تهران رفت و در مراسم عزاداری شورای انقلاب و مجلس خبرگان شرکت نمود . مفتی زاده در هیچ کدام از مراسم عزاداری قتل عامهای دستجمعی که در کردستان روی داد ، نه تنها شرکت نکرد بلکه این کشتارهای دستجمعی جنایتکارانه را محکوم هم نکرد . او همچنین برای کشتار و قتل عام مردم روستای "قارنه" اعلام عزاداری نکرد . اما برای يك اخوند ، که چند روز قبل از مرگش گفته بود که اگر کردستان سرکوب نشود همراه امام به انجا خواهد رفت و سوار تانک خواهد شد ، به تهران رفت . محمدمکری بعد از ملاقات با خمینی و طالقانی ، بعنوان يك دیپلمات که پست حساسی را دارا بود ، در گفتگوهای مطبوعاتی مطالب مهمی را بیان کرد که از نظر برخی مقامات دولتی افشای حقایق بود . مکرری در ارتباط با سخنرانی دکتر قاسملو که چند روز پیش از اشغال ارتش به مهاباد ایراد کرده بود و گفته بود : « من به مردم کرد قول می دهم که پشتیبان ما ، همان دولت قدیم و باوفا و دیرین ما یعنی همسایه شمالی شوروی و کشورهای بلوک شرق هستند» او (مکرری) گفت : «اگر نواری این سخنرانی را شخصی بنام "احمدشریفی" از بین نبرده و یا تعویض نکرده باشد در مرکز رادیو تلویزیون مهاباد موجود است . او گفت مراکز صهیونیستی و اسرائیلیها با استراتژی خاص خود بکمک قاسملو میخواستند که بایک تیردو نشان بزنند : اول مردم ساده و روستایی کرد را به لطف يك کشور قوی شمالی امیدوار سازند و شورش ادامه پیدا کند.... دوم اینکه روابط کشور ما را با کشور همسایه شمالی- شوروی - تیره سازند و افکار عمومی مردم ایران و مطبوعات جهان را از مسیر توطئه های خود منحرف کنند . از سوی دیگر من فکر نمیکنم که هیچ کدام از کشورهای بلوک شرق در امور داخلی ایران و کردستان دخالت کنند . زیرا این به زیان آنها تمام خواهد شد . او تصریح کرد که مردم واقعی کرد و اهالی شهرها و تحصیلکرده ها و محترمین و حتی بازاریان شهرهای کردستان با این عوامل همکاری نداشته اند و تنها عده ای از روستائیان منطقه سردشت و عده ای از پیشمرگان جلال طالبانی که اونیز باشیخ عزالدین حسینی طرز فکر واحدی دارد ، به همراه عوامل دکتر محمود عثمان که عراقی است در جریانات منطقه دخالت داشته اند که این گروهها حدود 2 هزار پیشمرگ کرد در اختیار حزب دمکرات و شیخ عزالدین حسینی و کومهله قرار داده بودند و با علم به این قضایا و اطلاعاتی که از توطئه های خارجی و مطبوعات صهیونیست و استعمار داشتیم ، برایم محقق شده بود که بزودی توطئه بزرگی در منطقه اجرا می شد و اگر امام چند روز دیرتر فرمان خود را صادر می کرد ، به احتمال قوی فاجعه بزرگی بوجود می آمد و به استقلال ایران ضربه وارد می شد - یعنی کردستان تجزیه می شد - دکتر مکرری همچنین

اعلام کرده که نیمی از سلاح‌های سبک پادگان مهاباد از طریق شیخ عزالدین حسینی در اختیار جلال طالبانی قرار گرفت. هم اکنون شیخ عزالدین حسینی در محلی به نام "برده پان" نزدیک مرز عراق اقامت دارد و قاسم‌لو به خارج رفته است. او گفت که نیروهای سیاسی کردستان يك ستاد مشترک از نیروهای مترقی تشکیل داده بودند. متشکل از احزاب کومله و حزب تشکیلات زحمتکشان کردستان و حزب دمکرات و آنها به خود عنوان راه‌هایی خلق کردند می‌دهند. یکی از مسئولین به نام صلاح الدین شمس برهان اهل مهاباد و دیگری به نام صلاح الدین مهدی اهل بوکان می‌باشند که هر دو به البانی وابسته هستند. حزب دمکرات که در اختیار سیاست صهیونیستهاست، از سوی يك کشور همسایه با اسم مسلمان نقشه و پول کافی دریافت می‌کند. چریک‌های فدایی هم با این ستاد همکاری می‌کنند» * روزنامه اطلاعات 22 شهریورماه 58 ص 3.

دکتر مکرری در بخش دوم گفتگوها بیش بامطبوعات در همان روزنامه روز 27 شهریورماه ص 12 به مطالب روزنامه‌هایی در این باره می‌پردازد که به گفته او علیه حکومت ایران مطالب می‌نویسند از جمله به روزنامه‌هایی مانند پر اودا اشاره می‌کند که در تاریخ 17 مه 79 به نقل از جراید خارجی، ارتش و کمیته‌های انقلاب را متهم می‌کند که دست به جنایت زده‌اند و کردها فقط از خود دفاع کرده‌اند. و نیز روزنامه لوموند لیبراسیون به قلم خانم (مادام) قاسم‌لو در ژوئیه 79 همین مطلب را تکرار می‌کند و لیبراسیون 8 اوت 79 این مطالب را تایید می‌کند. روزنامه ژورنال دوزنو 24 ژوئیه برای نخستین بار از اختلافات بین مقامات بالای ارتش سخن میراند و می‌نویسد که اغتشاشات در همه جا ادامه می‌یابد. اما در عین حال طبق روزنامه فیگارو 20 ژوئیه 79 شیخ عزالدین حسینی اظهار می‌دارد: اوضاع کردستان آرام است و موضوع این اغتشاشات یکی از اختراعات دولت مرکزی است. جراید غربی از شیخ عزالدین حسینی تجلیل می‌کنند و او را به عنوان رهبر بسیار قابل احترام در ایران تاحد مقام ایت اله خمینی بزرگ می‌کنند. قبل از ورود ارتش به مهاباد حزب دمکرات منحل اعلام می‌شود و شیخ عزالدین حسینی از روسای کشورهای خارجی، تقاضای کمک و حمایت می‌کند. لیبراسیون 20 اوت 1979. در این هنگام در نشریات اروپا انتشار می‌یابد که او یسی، در بخش کردستان ترکیه، يك قشون موافق باشاه مخلوع و با موافقت خارجیان تشکیل داده است و روزنامه فیگارو 20 اوت يك جنگ بین شوروی و آمریکا را بعلت عدم ثبات ایران غیر قابل احترام می‌داند» روزنامه اطلاعات 27 شهریورماه 58 ص 12. این چکیده‌ای از گزارش دکتر محمد مکرری بود که ظاهر برای تشویش افکار عمومی در اختیار خمینی و بعداً مطبوعات قرار داد.

توضیحی درباره دکتر محمد مکرری

محمد مکرری کرد اهل کرمانشاه است. او از نظر سیاسی انسانی منسجم و باشخصیت نبود. در دهه 30 فعالیت‌هایی با حزب توده انجام داده است. بعد از انقلاب و قیام 1357 که مسافرت‌هایی هم به کردستان کرده بود، از سوی دکتر کریم سنجابی بعنوان سفیر شوروی به آن کشور فرستاده شد. او در آنجا روزنامه‌های خارجی را جمع کرده و برای مقامات حکومتی می‌فرستاد یا اینکه خود می‌آورد و به همین دلیل می‌خواست به آنها بگوید که کردها تجزیه طلب هستند و عمال بیگانه در کردستان دخالت دارند. او بعدها کوشش کرد که تابلوهای سفارتخانه را به غارت ببرد. اما او دستگیر شد و از آنجا اخراج گردید. بعدها به کشور فرانسه آمد و در آنجا سکونت گزید.

از سوی دیگر حسین کرمانی نماینده امام در کرمانشاه که برای دیدار نیروهای نظامی به مناطقی مرزی رفته بود ، در يك گزارش رسمی که در مطبوعات هم منتشر شد ، شدیداً هشدار می‌دهد که نیروهای مسلح کرد ، خود را برای حملات زمستانی آماده می‌کنند . او همچنین اعلام می‌کند که کشور ایران ، حدود 1360 کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد و کنترل آن به شکلی که در کشورهای دیگر جهان معمول است کار بسیار مشکلی است ... و به همین دلیل این نیروها که در روستاها و کوه‌های مرزی مستقر هستند ، خود را برای جنگ چریکی زمستانی آماده می‌سازند . کرمانی در ادامه گزارش خود می‌نویسد : « به عنوان مثال وقتی بعضی از مرزبانان ، توسط افراد دشمن مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند و زخمی می‌شوند باید حداقل 7 تا 8 ساعت ، روی زمین بمانند تا وسیله‌ای برای نقل و انتقال آنها به مراکز درمانی فراهم شود . من به عنوان يك وظیفه شرعی و ملی به تمام ملت ایران اخطار می‌کنم که نباید غائله کردستان را پایان یافته بدانند و هر کس در هر پست و لباس و مقامی است باید به نحوی برای حفظ این منطقه از کشورمان از نظر نظامی کمک کند . »

کرمانی نماینده خمینی اضافه کرد : « معمولاً مذاکره و گفتگو از طریق دیپلماسی برای رفع درگیری و پایان دادن به غائله ، بین دولت‌ها صورت می‌گیرد ، نه بین دولت و گروه‌های مهاجم . زیرا ما باید دولت رسمی مقابله نمی‌کنیم ... یگانه راه رفع مشکل دولت در این منطقه این است که قا طعانه عمل کند و از راه زمین و هوا اشرار و مهاجمان را سرکوب کند . » روزنامه کیهان 27 شهریورماه 58 ص . 11

دکتر شکیبا استاندار کردستان هم در مورد عدم آرامش در منطقه در همین روزنامه نوشت که : « وضع منطقه هنوز آرام نیست و معتقدم که دولت بجای اعزام نیرو و وفاتوم و هلیکوپتر به کردستان می‌تواند با طرف مقابل وارد مذاکره شود . اگر عدالت در سراسر کشور پیاده گردد ، هر کس و هر گروه در برابر این عدالت سر تعظیم فرود می‌آورد و دیگر نیازی به مقابله و درگیری با دولت و ارتش نیست اگر گروه‌هایی از میان دولت به تشنج در منطقه دامن می‌زنند ، سخت اشتباه می‌کنند . »

مطالبی که در بالا به آن اشاره شد ، مواضع مقامات مختلف دولتی را در نظر مامجم می‌سازد که دیدگاه‌های متفاوتی در مورد کردستان داشتند . اما سیر مبارزات تاریخی خلق کرد به پیش رفت و بویژه با شروع مدارس و پایان تعطیلات تابستانی در شهرهای کردستان اعتراضات و تظاهرات خیابانی از يك سو و عملیات پراکنده نظامی پیشمرگان قهرمان کردستان از سوی دیگر ، ترس و وحشت مقامات هیئت حاکمه دولت را افزایش داد و شخص خمینی فرستادگانش را به کوهستانها پیش همان کسی فرستاد که او را ضداقلاب و سران اشرار خوانده بود . در مقابل مقاومت و اعتراض مردم ، نیروهای نظامی به عناوین مختلف مردم را آزار و شکنجه و ورنه می‌کردند . اما خروش و انتفاضه عمومی ، جنبش ازادبخت را در مقابل بسیج عمومی و یورش سراسری سرفراز و پیروزمند ساخت و نیروهای پیشمرگ با همکاری و اتحاد و همبستگی مردم انقلابی جاده‌ها و شهرها و روستاهای کردستان را برای اشغالگران سرکوبگر به میدانی نا امن تبدیل ساختند . هنگامیکه فشار نیروهای پاسدار در شهر بانه ادامه داشت روحانیون يك نامه اعتراضی به نخست وزیر ارسال داشتند .

تلگرام روحانیون بانه به نخست وزیربازرگان

در تلگرامنامه اعتراضی علمای دینی بانه و اهالی منطقه به بازرگان درباره مزاحمت و آزارپاسداران آمده است «همچنانکه مطلع هستید ما مردم کردستان همواره در طول تاریخ حافظ مرزهای ایران بوده و در اعتلای دین مبین اسلام از هیچگونه فداکاری دریغ ننموده و نیز در بر انداختن نظام مستبد شاهنشاهی، برای رهایی از ستم و ظلم دوشادوش سایر هموطنان مبارزه نموده ایم... از روزی که قوای پاسداران به بانه وارد شده اند، امنیت و اسایش از این دیار رخت بر بسته. زیرا در تمام شبانه روز، پاسداران به عناوین مختلف به خانه های مردم هجوم می برند و افراد را دستگیر و با چشمان بسته به محاکمه می کشانند و با شلیک رگبارهای ناگهانی، خواب و اسایش را از مردم سلب نموده و بمقدسات ملی و مذهبی اهانت مینمایند.... چنانکه وضع به همین منوال باشد، برخلاف میل باطنی ناگزیر هستیم که جلای و ظن نموده و بیکی از کشورهای مسلمان پناهنده شویم.» این تلگرام در روزنامه کیهان روز 29 شهریورماه 58 درص. 4 چاپ شده است.

مردم شهر بانه برای خروج پاسداران از شهر بمدت يك هفته در مسجد جامع شهر تحصن و اعتراض کردند. کسانی که از سوی نیروهای نظامی اسیر می شدند، به شیوه ای غیر انسانی شکنجه و مجازات می شدند. اما نیروهای پیشمرگه در کردستان با اسرای جنگی رفتار انقلابی و انسانی داشتند.

من در اینجا گزارش يك مسئول نظامی حکومتی را که در جاده بوکان اسیر شده بود و در روزنامه های اول مهرماه 58 انتشار یافته است برای خوانندگان نقل می کنم. گروه بان سهراب شیخ سامنی از پایگاه شکاری اصفهان همراه چهار نفر دیگر بمدت 5 روز در بازداشت پیشمرگان در اطراف بوکان بوده است. او در گزارش خود به خبرگزاری پارس چنین می گوید: «پس از آنکه در مسیر راه بوکان بازداشت شدیم. چشم ما را بستند و به دهی در ارتفاعات بردند حدود ساعت يك بامداد از دهکده مزبور ما را به قسمت دیگری از ارتفاعات انتقال دادند و صبح روز بعد به روستای اول باز گردانند و در مسجد ده کارت شناسائی ما گرفتند. پس از مدتی توقف به روستایی دیگری منتقل شدیم و در این روستا وسایل شخصی ما را پس دادند و لوازم ارتشی را از ما گرفتند. ساعت 18 همان روز برای ما دادگاه تشکیل دادند کارتها و برگهای عبوری را که از سپاه پاسداران همراه داشتیم به عنوان مدرک علیه ما تلقی کرده و گفتند: شما پاسدارید و برای سرکوبی ما آمده اید. با ارائه مدارک ثابت کردیم که پاسدار نیستیم. بازجویی و محاکمه تا ساعت 23 ادامه داشت. روز بعد ما را به دهی دیگر به میان مردم بردند و وضع ما را برای مردم روشن کردند و از اهالی نظر خواستند که ما را اعدام کنند یا ببخشند. پیرمردی که اهالی به او احترام می گذاشتند گفت:

اینها گناهی ندارند و از اداشان کنید. بعد از ظهر همان روز ما را با جیبهای سیمرغ و کالسکه ای که بان بازداشت کرده بودند، در حالی که روی سرمان پتو انداخته بودند بسوی جاده آوردند. وقتی که به جاده رسیدیم اتومبیل یکی از همراهانمان را به ما پس دادند و در حالی که وسایل داخلی انرا بردند، گفتند: بهر کجاکه می خواهید بروید.» گروه بان اسیر درباره موقعیت محل و روستاها گفت: «انها همه لباس کردی پوشیده و اکثرا مسلح بودند و یکی از سخنرانان گفت: دیدید که ما قصد آدمکشی نداریم. ما خود مختاری می خواهیم. شما وضع مردم اینجا را می بینید. مامی خواهیم که زندگی آنها بهتر شود. شخصی که ما را محاکمه می کرد به زبان فارسی مسلط نبود. يك معلم تهرانی که خود را فدایی و پیشمرگ معرفی کرد، در بین آنها بود و يك نفر لیسانسه را هم مشاهده کردیم. او درباره

مبارزات خلق برای ما سخنرانی کرد . رفتار آنها با ما خوب بود . آنها بیشتر با پاسداران انقلاب بد رفتاری می‌کنند .
مادرچه دار هستیم و دیگر بر ایمان مزاحمتی ایجاد نکردند . « روزنامه کیهان 1 مهرماه 1358 ص . 11
این يك نمونه زنده از برخورد پیشمرگان قهرمان كردستان با يك گروه اسیران جنگی بود که از دورترین شهرهای
خارج از كردستان به منطقه آمده بودند .

در این نوشته خود به روزهای اوایل مهرماه 58 می‌رسیم . در هفته‌هایی که گذشت ، **اعتراضات و تظاهرات و
زدوخورد های مسلحانه زیادی در مناطق مختلف كردستان** روی داده است . بویژه در شهرهای سقز و بانه و مهاباد
و بوکان و نیز حماسه‌هایی که مردم انقلابی در آن شرایط و اوضاع از خود نشان داده‌اند . یادداشت‌های این وقایع و
حوادث و جریانات ، صفحات زیادی از کاغذها را پر خواهد کرد ، که من توان بیان و تحقیق و تعریف دقیق همه
انها را ندارم .

روزهای 2 و 3 مهرماه 58 مردم سنندج در خیابانهای این شهر تظاهرات گسترده‌ای علیه اعدام‌های اخیر و تصویب
قوانین در مجلس خبرگان راه انداختند . فواد روحانی عضو و سخنگوی شورای 11 نفری سنندج در يك سخنرانی
در مسجد جامع مردم رابه ارامش دعوت کرد .

درگیری مسلحانه و اعتراض مردم در شهرهای بانه و بوکان در اوایل مهرماه گسترش بیشتری یافت . همچنین در
شهرپاوه بنابه نوشته روزنامه اطلاعات 3 درجه دارد نبال پرتاب نارنجك بشدت مجروح شدند .

انحلال شورای شهر مهاباد و دعوت به تشکیل شورای موقت انقلاب

روزیکم مهرماه 1358 يك اطلاعیه از سوی صادق زیباکلام نماینده نخست وزیر و ملاکریم شاریکندی منتشر
گردید . متن اعلامیه چنین است :

« درود بر خلق مسلمان كردستان و مردم زحمتکش مهاباد . همچنانکه اطلاع دارید ، شورای انقلاب اسلامی
شهرستان مهاباد بدنبال حوادث و جریانات اخیر منحل گردید . حوادث چندروز اخیر منجر به تیراندازیهای شدید
در سطح شهر و بسته شدن مغازه‌ها و بازار شده است . بعلاوه مشکلات و مسایل امنیتی ایجاب می‌نماید که هر چه
زودتر شورای موقت شهر تشکیل گردد . در جلسه‌ای که روز 31 . 6 . 58 در مسجد جامع مهاباد با شرکت بیش از
600 تن از نمایندگان روحانیون ، فرهنگیان ، بازاریان ، اصناف ، کارمندان ، معتمدین شهر ، فرماندار ،
شهردار و نماینده نخست وزیر تشکیل شد ، پس از گفتگوهای طولانی درباره اوضاع و احوال نا ارام و نابسامان
شهر و مشکلاتی که برای مردم پیش آمده ، پیشنهاد شورای شهر مجدداً مطرح و مقرر شد که مقدمات تشکیل این
شورابوسیله ملاکریم شاریکندی و نماینده نخست وزیری فراهم گردد . بدین وسیله از کلیه کارمندان ، روحانیون
، بازاریان ، فرهنگیان و ... دعوت می‌نماییم که هر چه زودتر نمایندگان انتخابی خود را به فرمانداری شهرستان
مهاباد معرفی نمایند تا شورای موقت انقلاب اسلامی را بتوانیم در اسرع وقت تشکیل دهیم .

ملاکریم شاریکندی . صادق زیباکلام 1 . 7 . 1358 «

ارتباط حزب دمکرات كردستان با دولت عراق و دریافت کمکهای نظامی و تسلیحات

مسئولان حزب دمکرات كردستان سالها بود که در شهر بغداد زندگی می‌کردند و با دولت عراق ارتباط داشتند .
انها هم در هفته‌های اوایل یورش به كردستان ، همانند نیروهای دیگر كردستان ایران در اطراف روستای

کوهستانی "توژله" که تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان بود ، مستقر شدند . مدتی گذشت که حزب دمکرات مقرش رابه " نأشی پشکاو" تغییر مکان داد و معلوم شد که بادلوت عراق تماسهایی برقرار شده و مسئولان حزب و خانواده‌هایشان به داخل خاک عراق امدورفت می‌کنند و در انجا اردوگاهی هم برای او ار مگان دایر شده بود . ارتش عراق تصمیم گرفت جاده‌ای از قلعه‌دزه به روستای "سونی" احداث کند ، تا اینکه نقل و انتقال اسلحه‌ها و تدارکاتی که از عراق دریافت می‌شود ، اسانتر گردد . از سوی دیگر مسئولان حزب دمکرات می‌خواستند که این ارتباط را مخفیانه نگه دارند . اما امدورفت کاروان چیان در نو ار مرزی این امکان رامیسر نمی‌ساخت . حزب دمکرات کردستان تلاش می‌کرد که این تماسها بادلوت عراق فقط از کانال سیاستهای حزب پیش برود . به همین دلیل حزب دمکرات اولین نیرویی بود که این ارتباط را برقرار کرد و اولین کاروان حمل و سایل در مقر حزب دمکرات لنگر انداخت .

مسئولان حزب دمکرات و در راس انها دکتور قاسملو ، تلاشهایی راکه برای همکاری مشترک و اتحاد نیروهای کردستان ایران انجام میگرفت ، اهمال کرده و فقط در چارچوب جلساتی که برگزار می‌شد ، قول می‌دادند که انها حاضر به همکاری و اتحاد عمل خواهند بود . اما بعد از اتمام جلسات این تعهدها را به فراموشی می‌سپردند .

مصاحبه اورینا فالانچی با خمینی

اورینا فالانچی يك روز نامه نگار مشهور ایتالیایی در مسافرت رسمی خود به ایران يك گفتگوی چند ساعته با خمینی که مترجم ان ابو الحسن بنی صدر از نزدیکان و فالانژی خمینی بود ، انجام داد . فالانچی به خاطر گفتگوهایش با شخصیت‌های بین المللی به عنوان يك خبرنگار و نویسنده شهرت جهانی دارد . او این مصاحبه راکه نکات زیادی از دیدگاههای خمینی را نشان می‌دهد ، در روزنامه‌های ایتالیایی منتشر ساخت . **در ارتباط با کشتار و قتل عامهای دستجمعی در کردستان ، از خمینی سئوالاتی کرد که امام از اعدامها و کشتار خلق کرد دفاع کرد .** اما اورینا فالانچی این اعدامها را قتل عام کردها نامید . بخشهایی از متن فارسی این مصاحبه در روزنامه‌های داخلی ایران منتشر شد .

درگیری مسلحانه و تظاهرات عمومی در شهرهای مهاباد و سنندج

صبح روز چهارم مهر ماه در شهر مهاباد بدنبال يك تفتیش خانگی طی يك درگیری مسلحانه 2 پاسدار کشته و 2 نفر نظامی دیگر اسیر و اوضاع شهر مهاباد متشنج می‌شود . این شهر به گفته صباغیان وزیر کشور ایران همانند بسیاری از شهرهای دیگر کردستان در چند روز گذشته نا ارام بوده است . بعد از ظهر این روز در چهارراه ازادی مهاباد ، پاسداران يك نارنجك پرتاب می‌کنند که منجر به کشته شدن 1 نفر و مجروح شدن 28 نفر می‌شود . به دنبال این حادثه مردم شهر دست به تظاهرات می‌زنند و عده‌ای دیگر به مقر سپاه پاسداران حمله می‌کنند . بدنبال این تشنج و نا ارامیها بیش از 50 نفر از مردم مهاباد دستگیر می‌شوند . روزنامه کیهان 5 مهر ماه 1358 ص . ص 1 و 2 از میان افراد دستگیر شده در شهر مهاباد ، بامداد روز دهم مهر ماه 1358 چهار نفر از مردم شهر به اتهام شرکت در این حوادث اعدام می‌شوند .

بمناسبت چهلمین روز 11 نفر از اعدام شدگان در سنندج ، بویژه برادران ناهید که به شیوه جنایتکارانه‌ای اجرا شد تظاهرات گسترده‌ای در شهر سنندج برگزار شد . مردم خشمگین و انقلابی خواستار خروج نیروهای سپاه پاسداران

و ارتش از کردستان شدند . مردم سنج شعارهایی به پشتیبانی از ماموستاشیخ عزالدین حسینی و نیروهای سیاسی و پیشمرگان قهرمان و نیز شعارهایی علیه خلخالی به عنوان يك جنایتکار و احمدمفتی زاده بخاطر مسافرت‌های مشکوکش به تهران سر دادند .

اسامی اعدام شدگان شهر مهاباد

1 - بهار وجدانی (مغازدار شهر مهاباد که غیرکرد بوده و سالها در میان مردم زندگی آرامی داشته است)
2 - جلیل گل اندام (به اتهام حمل اسلحه و تیراندازی) 3 - رضارحیم پور (به اتهام پرتاب نارنجک) 4 - علی دادفر (به اتهام فساد و توطئه) روزنامه‌های کیهان و اطلاعات 11 تیرماه 1358 .
خلخال جنایتکار فرمان این اعدامها را ، بدنبال شایعات ترورش در شهرهای تهران و قم داده بود . تا از این طریق ثابت کند که شایعه صحت ندارد . از سوی دیگر برای فروکش کردن اعتراضات و خروش عمومی روزهای گذشته ، باز هم ترس و وحشت راه اندازد .

تظاهرات و تحصن در کردستان ممنوع می‌شود

باگسترش موج تظاهرات و اعتراضات در شهرهای مختلف کردستان دادستان انقلاب اسلامی باپخش اعلامیه‌ای هرگونه تظاهرات و تحصن را ، در مراکز دولتی و خصوصی و ادارات کردستان ممنوع و گفت که متخلفین به عنوان ضد انقلاب و توطئه‌گرتحت تعقیب و مجازات قرار خواهند گرفت .

قطع ارتباط تلفنی در 6 شهر کردستان و تظاهرات در شهر سقز و درگیری مسلحانه در مهاباد

روزنهم مهرماه 1358 دانش آموزان و جوانان شهر سقز با برپایی تظاهراتی مخالفت خود را با استقرار نیروهای نظامی در شهر بار دیگر اعلام داشتند و نیروهای پیشمرگ در داخل شهر مهاباد با پرتاب يك گلوله "ار، پی، جی" يك تانک ارتشی را منهدم می‌کنند . از سوی دیگر مرکز مخابرات کرمانشاه خبر قطع ارتباطات تلفنی با 6 شهر مهم کردستان را انفجار دکل مخابراتی ماکروویو اعلام کرد . روزنامه کیهان 10 مهرماه 1358 ص . 12
نیروهای اشغالگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از انعکاس اخبار و حوادث در کردستان همه امکانات ارتباطی را با خارج مختل و سانسور می‌کردند . اما با وجود این اختناق روزنامه کیهان روز 14 مهر ماه 58 صفحه 3 با تیتز درشت اخبار شهرهای کردستان را بدین شیوه توصیف کرد : «شهرهای منطقه غرب کشور در 48 ساعت گذشته ، با وقوع حوادث ناخوشایند ، آرامش کافی و کامل نداشت . حمله مسلحانه به منزل دادستان انقلاب اسلامی مهاباد ، انفجار مین در جاده بانه - سردشت ، انفجار مین در مقابل شعبه بانک ملی اشنویه، و حمله افراد مسلح به منبع آب نرده از جمله این حوادث بود » همچنین روز 15 مهرماه در صفحه 3 این روزنامه نوشته شده است که : اوضاع شهر مریوان به علت ورود و تجمع هزار پیشمرگه و افراد مسلح در اطراف شهر، نا آرام و متشنج است و نگرانیهای زیادی وجود دارد .

مصاحبه نورالدین کیانوری با مطبوعات تهران در مورد اوضاع کردستان

کیانوری دبیرکل حزب توده ایران ، نیروهای سیاسی کردستان را ضد انقلاب و عامل درگیریها در کردستان معرفی کرد و در عین حال اعلام کرد که مسئله کردستان باید از راه سیاسی حل شود . اما او این راه حل سیاسی را تشریح نکرد . او درباره روابط خود با دکتر قاسملو گفت «از همان سالهایی که قاسملو از حزب توده اخراج و طرد

شده است با حزب ما را بطنه ای ندارد . قاسملوپپوسته ارتباط خود را با دولت فاشیستی بعث عراق گسترش می دهد و از آن کشور علیه خلقهای ایران کمکهای تسلیحاتی خرابکارانه دریافت می کند . « کیانوری نیروهای مانند حزب دمکرات و کمیته اتحاد کشاورزی بنام کومله و چریکهای فدایی خلق و نیروهای دیگر را گروهکهای مشکوک جنگ افروزی نام می برد که متحداً علیه انقلاب اسلامی ضدامریکایی و ضدامپریالیستی توطئه می کنند و جنگ را در کردستان ادامه می دهند . » روزنامه های اطلاعات و کیهان 17 مهرماه 1358

استاندار کرمانشاه : « مناطق کردنشین بویژه شهرهای اصلی همچنان متشنج هستند »

این مطلب را استاندار کرمانشاه برای وزیر کشور مخابره می کند . به دنبال این گزارش حمله نیروهای پیشمرگ در شهرهای بانه و بوکان مورد تایید مرکز سپاه پاسداران قرار می گیرد . در شهر بانه بمدت 5 ساعت در اطراف مقر سپاه پاسداران تیراندازی و درگیری شدید ادامه می یابد و در شهر بوکان در خیابان اصلی شهر بمدت 1 ساعت و 10 دقیقه درگیری ادامه می یابد . این عملیات شبهای 14 و 15 مهرماه صورت می گیرد و مردم شهرهای بانه و بوکان از ورود نیروهای مسلح - پیشمرگان - خوشحال و بانها همکاری می کنند .

پیام احمد مفتی زاده به مردم سنندج

در ادامه تظاهرات خیابانی در شهر سنندج ، به گزارش خبرگزاری پارس ، احمد مفتی زاده يك پیام تلفنی از تهران به سنندج فرستاد که از رادیو سنندج پخش شد و به مردم سنندج هشدار داد که از هرگونه تظاهرات و راهپیمایی خوداری کنند . زیرا ضدانقلاب خودنمایی می کند . مفتی زاده شایعه اقامت خود در تهران را تکذیب کرد و اعلام داشت در مدت 20 روزی که در تهران است ، در کمیسیون شماره 7 مجلس خبرگان سرگرم بررسی امور اقتصادی است و در روزهای آینده به سنندج باز می گردد . روزنامه کیهان 16 مهرماه 1358 ص . 11

دعوت ماموستا شیخ عزالدین حسینی از مردم کردستان برای ادامه مبارزه

روزنامه کیهان 17 مهرماه در صفحه اول با تیتر درشت به نقل از استاندار کرمانشاهان این مطالب را درج کرده است : « شیخ عزالدین حسینی با صدور اعلامیه ای ، کردها را به ادامه شورش علیه دولت تشویق کرد . شرکت تمام گروهها از جمله اعضای سابق حزب دمکرات در انتخابات شوراها ی شهر آزاد است . » محمد سپهری پور استاندار کرمانشاه در يك گزارش تلفنی گفت : « دیروز - 16 مهرماه 58 - فرماندار پاوه تلفنی به من گزارش داد که شیخ عزالدین حسینی اعلامیه ای خطاب به مردم کرد صادر کرده است . در این اطلاعیه از کردها خواسته است که به مبارزه خود علیه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران ادامه دهند . سپهری می افزاید : چون اطلاعیه مفصل بود ، نتوانستیم از جزئیات متن آن آگاه شویم . اما بطوری که فرماندار پاوه گزارش می داد شیخ عزالدین کردها را به ادامه شورش علیه دولت مرکزی تشویق کرده است . استاندار درباره احتمال مخفیگاه شیخ عزالدین گفت که شایع است او در خارج از کشور بسر می برد . اما این گزارش تایید نشده است . چه بسا او در یکی از نقاط مرزی ایران (کردستان) باشد . سپهری پور در ادامه گزارش خود گفت : ما بوسیله واسطه هایی که در اختیار داریم با افرادی که با دمکراتها فامیل و قوم و خویش هستند ، تماس می گیریم و به آنها پیغام می دهیم که امام عفو عمومی داده است و انهایی تواننده شهر و دیار خود بازگردند و با جمهوری اسلامی اعلام همبستگی کنند . »

روزنامه کیهان 17 مهرماه 1358 ص . 3

گسترش مبارزات در شهرها و جنگ مسلحانه

باردیگر در چند روز گذشته درگیریهای مسلحانه و تظاهراتی در شهرهای مختلف کردستان روی داده است که مسئولان هیئت حاکمه را به وحشت انداخته است. مهمترین آنها تظاهرات در شهرهای بانه و مریوان و سنندج و مهاباد بوده است. از جمله درگیریهای سختی که میان پیشمرگان کردستان و پاسداران انقلاب بوقوع پیوست يك جنگ و درگیری در جاده بانه - سردشت بود که در این عملیات غافلگیرانه 52 پاسدار کشته و اسیر شدند. این درگیری مسلحانه بعد از ظهر روز 16 مهر ماه روی داد و این هنگامی بود که يك ستون نظامی از پادگان سردشت بسوی بانه در حال نقل و انتقالات بود و به کمین پیشمرگان افتاد. تمام افراد این ستون تارومار شدند و خودروهای آنها منهدم شد. جنازه های بعضی از کشته شدگان به تهران منتقل شد و در دفتر نخست وزیری با شرکت مهندس بازرگان و جمعی از مسئولان سیاسی دولتی و نیز سید احمد فرزندان خمینی، مراسم تشییع جنازه برگزار شد. این نوع درگیریها هشدارهای بزرگی بود به سران رژیم اخوندی. خمینی در روزهای بعد از این حماسه های بزرگ که اخبار کردستان را مرتباً پیگیری می کرد و آرامش اعصابش را از دست داده بود، **اجباراً دکترا ریوش فروهر را به شهر سردشت فرستاد** (روزهای 17 و 18 مهر ماه - 9 و 10 اکتبر 79) تا تلاشهای خود را برای یافتن يك راه حل سیاسی ادامه دهد. این اقدام خمینی به هیچ عنوان به خاطر حسن نیت نبود. او مجبور شد که اولین جام زهرش را نوش کند. او خواستار آتش بس شد و برایش ثابت شد که يك ساعت و یا 24 ساعت برای سرکوب ملت کرد کافی نیست. خمینی برایش ثابت شد که **جنایتهایی را که در کردستان مرتکب شده است، بیشتر از جنایات شاه فراری است**. او برایش ثابت شد که با بنی قریضه و عده های از سران اشرار رودررو نیست و با يك خلق انقلابی روبرو است که يك خواست برحق و عادلانه دارد. باملتی رودرو است که از همبستگی و اتحاد یکپارچه برخوردار است. باید راه دیگری را بیابد و همانند یهودیان اشغالگر در فلسطین، حيله و فتنه های دیگر لازم است.

ملاقات مام جلال طالبانی با اپوزیسیون و نیروهای سیاسی کردستان ایران

مام جلال طالبانی در این روزها (اواسط مهر ماه) با ماموستا شیخ عزالدین حسینی و دکتر عبدالرحمان قاسملو از حدکاو نمایندگان سازکا - کومهله - وسچفا - فدائیان - برای یافتن يك راه حل سیاسی و احتمال گفتگو و مذاکرات بانمایندگان دولت ملاقات و گفتگو کرد. همچنین او تماسهایی بانمایندگان دولت مرکزی در تهران و قم برقرار کرده است. قبل ماموستا شیخ عزالدین نامه ای برای داریوش فروهر نوشته بود و خواستار قطع جنگ و اخراج ارتش و نیروهای نظامی از کردستان شده بود. ایشان در این نامه خود، **جنگ افروزان هیئت حاکمه را متهم به دخالت نظامی در کردستان و کشتار افرامدنی کرده و خواستار راه حل مسئله کردستان** به شیوه ای سیاسی و مسالمت آمیز شده بود. تاجائیکه به خاطر دارم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومهله) و سازمان چریکهای فدائی هم در این باره اطلاعیه های منتشر کرده اند. متأسفانه به هیچ کدام از این مدارك دسترسی ندارم تا بتوانم محتوای آنها را بیان کنم.

ادامه دارد. (شروع مذاکرات در کردستان و ادامه مبارزات)

منصور بلوری مهر ماه 1383 (سپتامبر 2004)